

نامه اول یوحنا

اخلاق خشن و تند یوحنا و یعقوب، این دو برادر ماهیگیر، باعث شد عیسی مسیح آنها را «پسران رعه» بنامد. با وجود این، محبت عجیبی بین مسیح و یوحنا بود. بودن با استاد، درس محبت را عملاً به یوحنا یاد داد، بطوری که در اواخر عمرش او را «رسول محبت» لقب دادند، چون هر جا می‌رفت تکیه کلامش این بود: «همدیگر را محبت کنید». در این نامه‌ها او نشان می‌دهد که خدا محبت است و زندگی واقعی و عالی در محبت کردن همنوعان نهفته است.

خدا نور است

از ابتداء، «کلمه» حیات بخش خدا وجود داشته است، من او را با چشمان خود دیده‌ام، و سخنان او را شنیده‌ام؛ من با دستهای خود او را لمس کرده‌ام. این کلمه حیات بخش از جانب خدا آمد و خود را بر ما آشکار فرمود؛ و ما شهادت می‌دهیم که او را دیده‌ایم، یعنی عیسی مسیح را. بلی، او حیات جاوداتی است. او نزد خدای پدر بود، اما بعد خود را بر ما آشکار ساخت. ^۳ باز هم می‌گویم، ما با شما درباره چیزهای سخن می‌گوئیم که خودمان دیده‌ایم و شنیده‌ایم، تا شما نیز بتوانید مانند ما با خدای پدر و فرزندش عیسی مسیح، رابطه نزدیک داشته باشید. ^۴ اگر به آنچه در این نامه می‌نویسم عمل نمایید، شما نیز همچون ما از شادی لبریز خواهید شد.

^۵ اینست پیغامی که خدا به ما داده است تا به شما اعلام نمایم: خدا نور است و ذره‌ای تاریکی در او وجود ندارد. ^۶ پس اگر بگوئیم که با خدا رابطه‌ای نزدیک داریم، اما در تاریکی روحانی و در گناه زندگی کنیم، دروغ می‌گوئیم. ^۷ اما اگر ما نیز مانند مسیح در نور حضور خدا زندگی می‌کنیم، آنگاه با یکدیگر رابطه‌ای نزدیک داریم و خون عیسی، فرزند خدا، ما را از هر گناه پاک می‌سازد.

^۸ اگر گوئیم که گناهی نداریم، خود را فریب می‌دهیم و از حقیقت گریزانیم.

^۹ اما اگر گناهان خود را به او اعتراف نماییم، می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که او ما را می‌بخشد و

از هر ناراستی پاک می‌سازد. این کار خدا کاملاً منصفانه و درست است، زیرا عیسی مسیح برای شستن و پاک کردن گناهان ما، جان خود را فدا کرده است. ^{۱۰} اگر ادعا کنیم که گناهی از ما سر نزده است، دروغ می‌گوئیم و خدا را نیز دروغگو می‌شماریم، زیرا خدا می‌فرماید که ما گناهکاریم.

زندگی در نور و محبت

^۱ فرزندان عزیزم، اینها را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید. اما اگر گناهی از شما سرزند، کسی هست که برای ما نزد خدای پدر وساطت کند و بخشایش ما را از او درخواست نماید. این شخص عیسی مسیح است که مظهر راستی و عدالت است. ^۲ او کسی است که تاوان گناهان ما را داده تا خدا ما را هلاک نسازد؛ او با این کار، رابطه‌ای دوستانه میان خدا و ما بوجود آورده است. او نه فقط برای گناهان ما، بلکه برای گناهان تمام مردم جهان فدا شد.

^۳ چگونه می‌توانیم مطمئن باشیم که خدا را می‌شناسیم؟ راهش اینست که به قلب خود نگاه کنیم و ببینیم که آیا مایل هستیم احکام خدا را بجا بیاوریم. ^۴ کسی که می‌گوید خدا را می‌شناسد اما احکام خدا را نگاه نمی‌دارد و خواست او را بجا نمی‌آورد، دروغ می‌گوید و از حقیقت بدور است. ^۵ فقط کسی می‌تواند واقعاً خدا را بشناسد و با او رابطه نزدیک داشته باشد که او را هر روز بیشتر دوست داشته، کلام او را بجا آورد. ^۶ کسی که ادعا می‌کند

مسیحی است، باید مانند مسیح زندگی کند.

می‌باشد.^{۱۷} دنیا نابود خواهد شد و چیزهای گناه‌آلود آن نیز از بین خواهند رفت، اما هر که طبق خواست خدا زندگی کند، همیشه برقرار خواهد ماند.

هشدار دربارهٔ دجال

^{۱۸} فرزندان عزیزم، پایان دنیا نزدیک شده است. شما حتماً دربارهٔ ظهور دجال که دشمن مسیح است چیزهایی شنیده‌اید. حتی الان نیز مخالفین مسیح همه جا دیده می‌شوند، و از همین متوجه می‌شویم که پایان دنیا نزدیک شده است.^{۱۹} این مخالفین مسیح بین ما بودند، اما در واقع از ما نبودند، چه در غیراینصورت نزد ما می‌ماندند. وقتی از ما جدا شدند، معلوم شد که اصلاً از ما نبودند.

^{۲۰} اما شما مانند اینها نیستید، زیرا روح‌القدس بر شما قرار گرفته و حقیقت را می‌دانید.^{۲۱} اگر این چیزها را می‌نویسم، منظورم این نیست که حقیقت را نمی‌دانید، بلکه فقط می‌خواهم به شما هشدار داده باشم، زیرا شما فرق میان راست و دروغ را تشخیص می‌دهید.

^{۲۲} دروغگوی واقعی کیست؟ هر که بگوید عیسی همان مسیح نیست، دروغ‌گوست؛ این همان دجال است، زیرا نه به خدای پدر ایمان دارد و نه به فرزند خدا.^{۲۳} کسی که به عیسی مسیح، فرزند خدا، ایمان نداشته باشد، امکان ندارد بتواند خدای پدر را بشناسد. اما کسی که به فرزند خدا ایمان دارد، خدای پدر را نیز می‌شناسد.

^{۲۴} ایمان خود را به آنچه که از اول شنیدید، حفظ نمایید زیرا اگر چنین کنید، همیشه با خدای پدر و فرزندش، رابطه‌ای نزدیک خواهید داشت،^{۲۵} و زندگی جاوید که او وعده داده است، نصیب شما خواهد شد.

^{۲۶} این مطالب را دربارهٔ این اشخاص می‌نویسم تا بدانید که ایشان می‌خواهند شما را گمراه کنند.^{۲۷} اما می‌دانم که روح خدا در شماست و به همین جهت نیازی ندارید کسی به شما بیاموزد که چه بکنید، زیرا روح خدا همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد؛ هر چه او می‌گوید حقیقت محض است و دروغ در آن یافت

ای برادران، به شما می‌گویم که یکدیگر را محبت نمایید. این یک حکم تازه نیست، بلکه همان حکم قدیمی است که از ابتدا به شما داده شده و همه شما آن را شنیده‌اید.^۸ با اینحال همیشه تازه است، و همانگونه که مسیح به آن عمل کرد، شما نیز باید بکنید، زیرا در همان حال که به یکدیگر محبت می‌نمایید، لکه‌های تیره و تار زندگی از میان می‌رود، و نور تازهٔ زندگی مسیحایی شروع به تابیدن می‌کند.

^۹ کسی که می‌گوید: من در نور مسیح هستم، ولی ممنوع خود را دوست نمی‌دارد، هنوز در تاریکی است.^{۱۰} اما هر که ممنوع خود را محبت نماید، در نور زندگی می‌کند و می‌تواند راه خود را ببیند، بدون آنکه گرفتار تاریکی و گناه گردد.^{۱۱} ولی کسی که ممنوع خود را دوست ندارد، در تاریکی سرگردان است و نمی‌داند به کجا می‌رود، زیرا تاریکی چشمانش را کور کرده است تا راه را نبیند.

دل بردن از دنیا

^{۱۲} ای فرزندان این چیزها را برای شما می‌نویسم، زیرا گناهانتان بخاطر نام عیسی مسیح آمرزیده شده است.^{۱۳} ای پسران، این مطالب را به شما نیز می‌نویسم، زیرا مسیح را که از ازل بوده است، می‌شناسید. ای جوانان، روی سختم با شما نیز هست، زیرا در نبرد روحانی، بر شیطان پیروز شده‌اید. به شما خردسالان نیز می‌نویسم، که پدرمان خدا را می‌شناسید.

^{۱۴} پس این را می‌خواهم بگویم به شما پدرانی که خدای ازلی را می‌شناسید، و به شما جوانانی که کلام خدا را در دل خود حفظ می‌کنید و قوی هستید و بر شیطان پیروز شده‌اید؛^{۱۵} به این دنیای گناه‌آلود و به آنچه به آن تعلق دارد، دل نبندید. کسی که به این چیزها دل ببندد، درواقع نشان می‌دهد که به خدا دل‌بستگی ندارد.^{۱۶} زیرا وابستگی‌های این دنیا و خواسته‌های ناپاک، میل به داشتن و تصاحب هر آنچه که بنظر جالب می‌آید، و غرور ناشی از ثروت و مقام، هیچیک از خدا نیست؛ بلکه از این دنیای گناه‌آلود

شیطان را باطل سازد.^۹ هر که به خانواده خدا ملحق می شود و فرزند خدا می گردد، به راه گناه نمی رود، زیرا او از طبیعت و حیات الهی برخوردار می شود. بنابراین، دیگر نمی تواند گناه کند، زیرا در او زندگی تازه ای شکل گرفته است که از خدا جریان می یابد.

^{۱۱} پس به این ترتیب می توان گفت که چه کسی فرزند خداست و چه کسی فرزند شیطان است. هر که زندگی گناه آلودی داشته باشد و هموع خود را نیز دوست نداشته باشد، فرزند خدا نیست.^{۱۱} زیرا پیغامی که از همان ابتدا به ما داده شد، اینست که یکدیگر را محبت نماییم؛^{۱۲} اما نه مانند «قائن» که از شیطان بود و برادرش را کشت. می دانید چرا چنین کرد؟ زیرا کارهای خودش نادرست بود، ولی می دانست که زندگی برادرش از زندگی خودش بهتر است.^{۱۳} از اینرو برادران من، تعجب نکنید از این که مردم دنیا از شما نفرت داشته باشند.

^{۱۴} اگر ما برادران خود را محبت کنیم، معلوم می شود که از مرگ رهایی یافته، به زندگی جاوید رسیده ایم. اما هر که محبت نداشته باشد، در مرگ بسر می برد.^{۱۵} هر که از برادر خود نفرت داشته باشد، در واقع قاتل است؛ و می دانید که هر کس قصد قتل کسی را داشته باشد، هرگز به زندگی ابدی دست نخواهد یافت.^{۱۶} ما محبت واقعی را از مسیح آموخته ایم، زیرا او جان خود را در راه ما فدا کرد، تا ما نیز حاضر باشیم جان خود را در راه هموعان خود فدا کنیم.

^{۱۷} اما کسی که ادعای مسیحیت می کند و از نظر مالی در وضعیت خوبی بسر می برد، اگر هموع خود را در احتیاج ببیند و به او کمک نکند، چگونه ممکن است محبت خدا در قلب او حکمفرما باشد؟^{۱۸} ای فرزندان من، محبت ما نباید فقط زبانی باشد، بلکه می باید در عمل نیز آن را نشان دهیم.^{۱۹} آنگاه خواهیم دانست که مسیحیانی واقعی هستیم، و وجدانمان نیز آسوده خواهد بود.^{۲۰} حتی اگر وجدانمان احساس خطا کند، می توانیم به حضور خدا بیاییم و اطمینان حاصل کنیم، زیرا او از وجدان ما بزرگتر است و به همه چیز واقف می باشد.

نمی شود. پس همانگونه که به شما تعلیم داده است، همیشه در مسیح بمانید و هرگز از او دور نشوید.

^{۲۸} بلی فرزندان من، بکشید تا با مسیح رابطه ای صمیمی داشته باشید، تا به هنگام بازگشت او، بتوانیم با اطمینان او را استقبال کنیم، نه با ترس و خجالت.^{۲۹} همه شما بخوبی می دانید که خدا بطور مطلق نیک است. پس این را نیز بدانید که هر که نیکی می کند، فرزند خداست.

محبت در عمل

۳ ببینید خدای پدر چقدر ما را دوست می دارد که ما را «فرزندان» خود خوانده است، و همینطور نیز هستیم. اما مردم دنیا این مطلب را درک نمی کنند، زیرا خدا را آنطور که هست نمی شناسند. آبی عزیزان، ما اکنون حقیقتاً فرزندان خدا هستیم. گرچه هنوز نمی دانیم در آینده چگونه خواهیم بود، اما این را به یقین می دانیم که وقتی مسیح بازگردد، مانند او خواهیم شد، چون او را همان گونه که هست خواهیم دید.^۲ هر که به این حقیقت ایمان دارد، می کوشد تا پاک بماند، زیرا که مسیح نیز پاک است.^۳ هر که گناه می کند، احکام خدا را می شکند، زیرا گناه چیزی نیست جز شکستن احکام خدا و رفتار کردن برخلاف خواست او.^۵ اما می دانید که مسیح انسان شد تا بتواند گناهان ما را پاک سازد؛ و این را نیز می دانید که او کاملاً پاک و بی گناه بود، چون هرگز کاری برخلاف خواست خدا انجام نداد.^۶ پس اگر همواره با مسیح رابطه ای نزدیک داشته باشیم، در گناه زندگی نخواهیم کرد. اگر کسی در گناه زندگی می کند، علتش اینست که هرگز با او رابطه ای نداشته و او را نشناخته است.

^۷ فرزندان عزیزم، مراقب باشید کسی شمارا در این مورد فریب ندهد: هر که اعمال نیک و راست انجام می دهد، به این علت است که درستکار و نیک است، همانگونه که مسیح نیک و درستکار بود.^۸ اما کسی که در گناه بسر می برد، نشان می دهد که فرزند شیطان است، زیرا شیطان از همان ابتدا که خود را به گناه آلود، تابحال گناه می کند. اما فرزند خدا آمد تا اعمال

هست یا نه؟ زیرا اگر از سوی خدا باشد، مردم دنیوی به آن گوش نخواهند داد.

خدا محبت است

^۷ عزیزان من، بیاید یکدیگر را محبت کنیم، زیرا محبت از خداست و هر که محبت می‌نماید، فرزند خداست و خدا را واقعاً می‌شناسد. ^۸ اما کسی که محبت نمی‌کند، خدا را نمی‌شناسد، زیرا خدا محبت است.

^۹ خدا با فرستادن فرزند یگانه خود به این جهان گناه‌آلود، محبت خود را به ما نشان داد؛ بلی، خدا او را فرستاد تا جان خود را در راه ما فدا کند و ما را به زندگی ابدی برساند. ^{۱۱} اینست محبت واقعی! ما او را محبت نکردیم، بلکه او ما را محبت کرد و یگانه فرزندش را فرستاد تا کفاره گناهان ما شود.

^{۱۱} عزیزان من، حال که خدا ما را این چنین محبت نمود، ما نیز باید یکدیگر را دوست بداریم و محبت کنیم. ^{۱۲} ما هیچگاه خدا را ندیده‌ایم؛ اما اگر یکدیگر را محبت نماییم، خدا در وجود ما مسکن می‌گزیند و محبت او در ما قوت می‌گیرد. ^{۱۳} خدا برای همین روح پاک خود را در وجود ما قرار داده تا بدانیم که خدا در ما ساکن است و ما در خدا. ^{۱۴} از این گذشته، ما نیز با چشمان خود دیده‌ایم و به همه اعلام می‌کنیم که خدا فرزندش را فرستاد تا مردم را نجات و رستگاری عطا کند. ^{۱۵} هر که ایمان داشته باشد و به زبان بگوید که عیسی فرزند خداست، خدا در وجود او ساکن است و او نیز در خدا.

^{۱۶} ما می‌دانیم که خدا چقدر ما را دوست می‌دارد، زیرا گرمی محبت او را چشیده‌ایم. ما محبت او را باور می‌کنیم. خدا محبت است! و هر که با محبت زندگی می‌کند، با خدا زندگی می‌کند و خدا در وجود اوست. ^{۱۷} وقتی با مسیح زندگی می‌کنیم، محبتمان بیشتر و کاملتر می‌شود. پس در روز داوری شرمند و سرافکننده نخواهیم شد، بلکه با اطمینان و شادی در حضور او خواهیم ایستاد، زیرا او ما را دوست دارد و ما نیز او را دوست داریم.

^{۱۸} لازم نیست از کسی که ما را بطور کامل دوست

^{۱۱} اما عزیزان من، اگر وجدان ما راحت و آسوده باشد، می‌توانیم با اطمینان خاطر و اعتماد کامل به حضور خداوند بیایم؛ ^{۱۲} آنگاه هر چه از او درخواست نماییم، دریافت خواهیم کرد، زیرا احکام او را اطاعت می‌کنیم و کارهای پسندیده او را بجا می‌آوریم. ^{۱۳} آنچه خدا از ما انتظار دارد اینست که به فرزند او عیسی مسیح ایمان داشته باشیم و به یکدیگر محبت کنیم. ^{۱۴} هر که احکام خدا را بجا آورد، با خدا زندگی می‌کند و خدا نیز با او. این حقیقت را از آن روح پاک که خدا به ما عطا فرموده است، دریافت کرده‌ایم.

معلمین الهی و معلمین دروغین

۴ عزیزان من، اگر کسی ادعا کند که از جانب خدا پیغامی دارد، زود باور نکنید. نخست، او را بیازمایید تا دریابید که آیا پیغام او از جانب خداست یا نه؛ زیرا معلمین و واعظین دروغین، این روزها همه جا پیدا می‌شوند. ^۲ برای پی بردن به این که پیغام ایشان از جانب روح خداست یا نه، باید از ایشان بپرسید که آیا ایمان دارند که عیسی مسیح، فرزند خدا واقعاً انسان شد یا نه. اگر ایمان داشته باشند، در اینصورت پیغام ایشان از جانب خداست. ^۳ در غیر اینصورت، آن پیغام از سوی خدا نیست، بلکه از جانب دجال است، یعنی آن دشمن مسیح، که شنیده‌اید بزودی می‌آید، و دشمنی او با مسیح از هم اکنون در جهان آشکار است.

^۴ فرزندان عزیزم، شما از آن خدا هستید و بر مخالفین مسیح غلبه و پیروزی یافته‌اید، زیرا در وجود شما کسی زندگی می‌کند که از هر دشمن مسیح در این دنیای گناه‌آلود، قوی‌تر است. ^۵ این معلمین دروغین از این دنیا هستند؛ به همین علت، سخنانشان درباره امور دنیوی است و مردم دنیوی نیز به گفته‌های ایشان توجه می‌کنند. ^۶ ولی ما فرزندان خدا هستیم، و فقط کسانی به سخنان ما توجه می‌کنند که خدا را می‌شناسند و با او رابطه‌ای نزدیک دارند. اما دیگران توجهی به گفته‌های ما ندارند. این نیز راه دیگری است برای پی بردن به این که آیا پیغامی از جانب خدا

پیش از مرگ او. این سه صدا، همان یک سخن را می‌گویند که عیسی مسیح، فرزند خداست.^۹ در دادگاه وقتی کسی شهادتی می‌دهد، همه آن را باور می‌کنیم. حال خدا به این وسیله شهادت می‌دهد که عیسی فرزندش می‌باشد؛ پس چقدر بیشتر باید شهادت خدا را بپذیریم.^{۱۰} همه آنانی که به این حقیقت ایمان می‌آورند، در قلب خود به درستی آن پی می‌برند. اما اگر کسی به این حقیقت ایمان نیاورد، در واقع خدا را دروغگو شمرده است، زیرا شهادت خدا را درباره فرزندش دروغ پنداشته است.

^{۱۱} اما خدا چه شهادتی داده است؟ شهادت خدا اینست که او به ما حیات و زندگی جاوید عطا کرده، و این حیات در فرزند او عیسی مسیح است.^{۱۲} پس روشن است که هرکس مسیح را دارد، به این حیات نیز دسترسی دارد؛ اما هر که مسیح را ندارد، از این حیات بی‌بهره خواهد ماند.

^{۱۳} این نامه را نوشتم تا شما که به فرزند خدا ایمان دارید، بدانید که از هم اکنون، از زندگی جاوید برخوردارید.^{۱۴} از اینرو، خاطر جمع هستیم که هرگاه از خدا چیزی مطابق خواست او بطلبیم، دعای ما را خواهد شنید؛^{۱۵} و اگر یقین داریم که دعای ما را می‌شوند، می‌توانیم به این هم اطمینان داشته باشیم که آنچه از او بخواهیم، به ما عطا خواهد کرد.

^{۱۶} اگر می‌بینید که برادر شما مرتکب گناهی می‌شود که منتهی به مرگ نیست، از خدا بخواهید که او را ببخشد، و خدا نیز به او حیات جاوید عطا خواهد کرد، به این شرط که گناهِش منتهی به مرگ نباشد. زیرا گناهی هست که منجر به مرگ می‌شود، و نمی‌گویم که برای آن دعا کنید.^{۱۷} البته هر کار نادرست گناه است، اما گناهی هست که منتهی به مرگ نمی‌شود.

^{۱۸} می‌دانیم هر که فرزند خدا شده است، خود را به گناه آلوده نمی‌کند، زیرا مسیح که فرزند خداست، او را حفظ می‌کند تا دست شیطان به او نرسد.^{۱۹} می‌دانیم که ما فرزندان خدا هستیم و بقیه مردم دنیا، تحت قدرت و سلطه شیطان قرار دارند.^{۲۰} می‌دانیم که

دارد، بترسیم. محبت کامل خدا هرگونه ترس را در ما ریشه کن می‌سازد. اگر هنوز می‌ترسیم، علتش اینست که هنوز کاملاً یقین نداریم که خدا حقیقتاً ما را دوست می‌دارد.

^{۱۹} محبت ما نسبت به خدا، از محبتی ناشی می‌شود که او اول نسبت به ما داشت.^{۲۰} اگر کسی ادعا می‌کند که خدا را دوست دارد، اما از هم‌نوع خود متفر است، دروغ می‌گوید؛ چون اگر کسی نتواند هم‌نوعی را که می‌بیند، دوست داشته باشد، چگونه می‌تواند خدایی را که ندیده است، دوست بدارد؟^{۲۱} این حکم خداست که هر که او را دوست می‌دارد، باید هم‌نوع خود را نیز دوست داشته باشد.

ایمان به فرزند خدا عیسی مسیح

۵ هر که ایمان دارد که عیسی همان مسیح و فرزند خدا و نجات‌دهنده عالم است، او فرزند خداست. هر که خدای پدر را دوست دارد، فرزندان او را نیز دوست خواهد داشت.^۲ چگونه بدانیم فرزندان خدا را دوست داریم؟ از اینکه خدا را دوست داریم و احکام او را اطاعت می‌کنیم.^۳ در واقع کسی که خدا را دوست دارد، نمی‌تواند احکام او را اطاعت نکند؛ و احکام او برای ما مشکل نیست.^۴ زیرا هر فرزند خدا می‌تواند احکام خدا را بجا آورد و با ایمان و توکل به مسیح، بر گناه و لذات ناپاک دنیا غلبه کند.^۵ فقط کسی می‌تواند بر دنیای گناه‌آلود غلبه یابد که ایمان دارد عیسی به راستی فرزند خداست.

^۶ ما می‌دانیم که عیسی فرزند خداست، زیرا خدا دوبار این حقیقت را از آسمان اعلام فرمود. یک بار به هنگام تعمید او، و یک بار نیز مدتی پیش از آنکه با مرگ روبرو شود. پس نه فقط به هنگام تعمیدش، بلکه مدتی پیش از مرگش نیز خدا از آسمان سخن گفت. روح خدا نیز که مظهر راستی است، این حقیقت را تأیید می‌کند که عیسی فرزند خداست. پس سه شاهد تأیید می‌کنند که عیسی فرزند خداست: صدای روح خدا در قلب ما؛ صدای آسمانی به هنگام تعمید عیسی؛ و همان صدا مدتی

فرزند خدا آمده و به ما ببینش داده تا خدای حقیقی را بشناسیم. و حالا ما در خدا هستیم، زیرا در فرزندش عیسی مسیح قرار گرفته‌ایم که تنها خدای حقیقی و

زندگی جاودانی است.

^{۲۱} فرزندان من، از هر چه که جای خدا را در قلبتان می‌گیرد، دوری کنید.